

سخنی با مقامات باکو در آستانه سفر نتانیاهاو



یکی از اهداف کلیدی سفر نتانیاهاو به باکو، ضربه زدن به روند رو به گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان است و این به درایت دولتمردان باکو بستگی دارد که فریب این رژیم را نخورند.

به گزارش آران نیوز، بر پایه آنچه رسانه‌های جمهوری آذربایجان گزارش داده‌اند، نتانیاهاو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی فردا (سه‌شنبه) ۲۳ آذر سفری یک روزه به جمهوری آذربایجان خواهد داشت. پیش از این نتانیاهاو در سال ۱۹۹۷ به جمهوری آذربایجان سفر کرده بود، که تقریباً مخفیانه و بدون تبلیغ رسانه‌ای بود و ملاقاتش با حیدر علی‌اف رئیس‌جمهور فقید جمهوری آذربایجان به صورت شبانه برگزار شد. این در حالی است که برای سفر آتی چه رسانه‌های آذربایجانی و چه رسانه‌های رژیم صهیونیستی از مدت‌ها پیش اطلاع رسانی می‌کنند. هر چند این سفر به باکو صورت می‌گیرد با توجه به ذات نامشروع و متجاوزانه رژیم اشغالگر صهیونیستی، موارد زیر جای تامل دارد:

نخست) این سفر در حالی صورت می‌گیرد که طی دوران دولت تدبیر و امید روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان گسترش خوبی یافته و بسیاری از سوء تفاهات سال‌های قبل از بین رفته است. بدون تردید، این روند خوشایند رژیم صهیونیستی نبوده و نخواهد بود و به جرات می‌توان گفت که یکی از اهداف کلیدی سفر نتانیاهاو به باکو، ضربه زدن به روند رو به گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان است. دوم) به نظر می‌رسد، آنچه از نظر دولتمردان آذربایجانی، توجیه‌گر برقراری روابط با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۲ و گسترش آن طی سال‌های بعدی است موارد زیر می‌باشد: ۱- بهره‌گیری از لابی یهودیان در آمریکا برای مقابله با لابی ارامنه، ۲- بهره‌گیری از توان نظامی رژیم صهیونیستی (خریدهای نظامی و اخذ مشاوره‌های نظامی از آن رژیم) برای رفع اشغال از قره‌باغ و نواحی پیرامونی و ۳- مقابله با تهدیدات موجود علیه استقلال این جمهوری از سوی (به اصطلاح) ایران. در مورد بند نخست، این به درایت و هوشیاری دولتمردان جمهوری آذربایجان بستگی دارد که فریب رژیم صهیونیستی را نخورده و روابط دوستانه و برادرانه ایران با آن جمهوری را قربانی بدخواهی‌های رژیم صهیونیستی نکنند. دولتمردان جمهوری آذربایجان پس از استقلال این جمهوری، به ویژه در دوران دولت یازدهم باید به خوبی دریافته باشند که جمهوری اسلامی ایران، همیشه خواهان سعادت و پیشرفت همسایه شمال غربی خود بوده است. آنها خود به خوبی آگاه هستند که در زمان سختی‌ها (بویژه سال‌های بحرانی اوایل استقلال و جنگ قره‌باغ) جمهوری اسلامی ایران از هر لحاظی کنار آنها بوده است و کمک‌های فراوانی را نثار مردم جمهوری آذربایجان کرده است. شایسته است دولتمردان آذربایجانی دریابند که علاوه بر مشترکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین مردمان دو کشور، به لحاظ جغرافیایی در کنار مرزهای ایران قرار دارند و هیچ منطق و عقلی نمی‌پذیرد که روابط خود را به خاطر رژیمی که نامشروع است و نطفه آن با اشغالگری بسته شده است و از نظر جغرافیایی هم هیچ تناسبی با جمهوری آذربایجان ندارد، به خطر اندازند.

در مورد بند دوم، می‌توان ادعا کرد که این یکی از طنزهای بسیار تلخ تاریخ است که جمهوری آذربایجان برای رفع اشغال از بخشی از خاک خود به رژیمی متوسل شده است که نطفه آن با اشغالگری بسته شده است. دولتمردان و مردم باکو طعم تلخ اشغالگری را چشیده، سال‌هاست با آن دست به گریبان بوده و شاهد آوارگی و مشکلات عدیده شهروندان مناطق اشغالی قره‌باغ و مناطق پیرامونی هستند، آنها به جای مبارزه و مخالفت با هرگونه اشغالگری و قرار داشتن در جبهه مبارزان رژیم اشغالگر قدس، در کنار آن قرار گرفته و انتظار دارند که چنین رژیمی برای رفع اشغال از خاک جمهوری آذربایجان کمک کند. باید گفت وجود خطری از جانب ایران هم ساخته و پرداخته این چنین رژیمی است که نمی‌خواهد روابط دوستانه و گرمی بین برادران مسلمان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان وجود داشته باشد. اگر دولتمردان آذربایجانی در این اندیشه باشند که روابط با رژیم صهیونیستی، ارتباطی به روابط با ایران نداشته و هر یک در جایگاه خود قرار دارد؛ باید گفت که این نهایت خوش خیالی است. شاید جمهوری آذربایجان این روابط را بی ارتباط بداند، ولی به نظر نمی‌رسد که نزدیکی رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان هدفی غیر از سوء استفاده علیه جمهوری اسلامی ایران در برداشته باشد. برای اثبات این ادعا تنها به دو مثال بسنده می‌شود: ۱- استفاده رژیم صهیونیستی از خاک جمهوری آذربایجان برای اعزام تروریست‌هایی برای ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، ۲- به پرواز درآمدن پهباد رژیم صهیونیستی از خاک جمهوری آذربایجان که در حوالی نطنز سرنگون شد و خبر آن در رسانه‌های وقت منعکس شد.

نکته پایانی این است که دولتمردان آذربایجانی به روابط ایران با ارمنستان خرده گرفته و آن را برابر با روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی معرفی کرده و از ایران گلایه دارند که چرا برای آزادی قره‌باغ کمک نمی‌کند؟ اول اینکه ایران همچون سایر کشورهای همسایه، با ارمنستان نیز روابط همسایگی دارد و این روابط هرگز علیه جمهوری آذربایجان نبوده است. به طوری که هرگز اجازه نداده است مقامات ارمنی در سفر به ایران کلامی علیه جمهوری آذربایجان به زبان آورند؛ این در حالی است که مقامات رژیم صهیونیستی همیشه در سفر به باکو به گزافه‌گویی علیه ایران پرداخته‌اند. دوم اینکه وقتی دولت جمهوری آذربایجان گروه بی‌خاصیت مینسک را برای میانجیگری و حل بحران قره‌باغ برگزیده و در قالب آن رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه این جمهوری با همتایان ارمنی خود به عنوان مقامات رسمی آن کشور دور یک میز نشسته و به مذاکره می‌پردازند، ایران هرگز نمی‌تواند

کاسه داغ‌تر از آتش باشد و به مقابله با یک کشور همسایه بپردازد. دولتمردان آذربایجان چنانچه حجم و گستره کمک‌های مختلف ایران در زمان استقلال این کشور و جنگ قره‌باغ را بررسی کنند، خواهند فهمید که با پیگیری سیاست‌هایی نظیر جعل تاریخ و پشتیبانی از قوم‌گرایی و تجزیه طلبی در ایران، چه جفایی در حق مردم ایران انجام داده‌اند. جفایی که با بزرگواری ایران، نادیده گرفته شده است و جمهوری اسلامی ایران همچنان جمهوری آذربایجان را بعنوان کشوری دوست و برادر پنداشته و پیشرفت و سعادت مردم آن را پیشرفت و سعادت خود می‌داند و در غم مردم آن کشور، خود را شریک می‌پندارد.

* محمدحسین کبیری، کارشناس مسائل منطقه